

دغدغه امروز بچه‌ها هم شغل و درآمد شده است!

امیر مشهدی عباس؛ نویسنده و کارگردان نمایش «من عجیب» که این شب‌ها ویژه کودک و نوجوان روی صحنه است در گفت‌وگو با «صبا» گفت: در این بیست‌وچند سالی که در زمینه نمایش فعالیت می‌کنم، عموماً کار کودک انجام داده‌ام و گروه ما همیشه سعی داشته است که مشکلات جامعه را شناسایی و دغدغه‌های این گروه سنی را مطرح کند تا باری را از دوش آن‌ها بردارد. او افزود: در همین شناسایی و بررسی‌ها متوجه شدیم که بچه‌ها در حال حاضر درباره آینده، شغل و اساساً تعریف شغل آینده عقیده خاصی دارند و معتقدند حرفه‌ای خوب است که سریع و راحت به درآمد برسد و زمان کمی برایش صرف شود. مشهدی عباس درباره موضوع نمایش «من عجیب» بیان کرد: داستان این نمایش درباره پسر بچه‌ای است که باید برای آینده خود شغل انتخاب کند و چندین شغل را برای خود در نظر گرفته است و آیینی‌های دارد که می‌تواند در آن آینده خود را ببیند و در پایان بیننده نمایش به این نتیجه می‌رسد که مهم نیست در آینده چه شغلی داشته باشی مهم این است که سختی‌های شغلت را تحمل کنی تا بتوانی در آن موفق باشی. مدیر مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان توضیح داد: مخاطب نمایش «من عجیب» گروه سنی ۶ تا ۱۲ سال است که دوره کودک اول و دوم را شامل می‌شود. این نویسنده و کارگردان در پایان گفت‌وگو درباره کارهای آینده خود گفت: با توجه به این‌که علاقه من کار کردن برای گروه سنی کودک و نوجوان است، همواره به دور از دغدغه‌های ذهنی خودم برای بزرگسالان که گاهی برای آن‌ها هم کار می‌کنم، بیشتر در زمینه کودک فعالیت دارم که به همین دلیل بیشتر، کارهای کودک من دیده می‌شوند و در آینده حتماً باز هم در این زمینه فعالیت خواهم داشت، البته هم‌زمان با نمایش «من عجیب»، سه نمایش دیگر برای گروه سنی کودک و نوجوان در مرکز تئاتر کانون آماده اجرا داریم. نمایش «من عجیب» کاری از گروه هنری «هفت، پنج، یک» و به نویسندگی و کارگردانی امیر مشهدی عباس از روز دوشنبه ۷ مردادماه تا اواخر شهریورماه هر شب ساعت ۲۰ در تالار هنر واقع در میدان هفت تیر، خیابان شهید مفتح، خیابان ورزنده اجرا می‌شود. حمیدرضا حسینعلی، نندانوری، مجتبی گوهر خای، فرزاد سلیمانی، غزاله مرصوسی، سروش فرهنگیان و مریم صادقیان امین در نمایش «من عجیب» ایفای نقش می‌کنند. بازیگران کودک این نمایش عبارتند از: سبحان سهراب، امیرمحمد محمدی و هومن اردکانی.



من عجیب
 کاری از گروه هنری هفت، پنج، یک
 نمایش ویژه کودک و نوجوان
 نویسنده و کارگردان: امیر مشهدی عباس



اعضای هیات انتخاب نهمین جشنواره

«نمای رحمت» معرفی شدند

فارس: کژوان ضیاءالدینی؛ مسئول کمیته علمی نهمین جشنواره بین‌المللی دف «نمای رحمت»، هیات انتخاب این رویداد حوزه موسیقی را معرفی کرد و گفت: به‌منظور افزایش دقت نظر در انتخاب، آثار بخش تک‌نوازی توسط هیأتی جداگانه و آثار بخش گروه‌نوازی و مولودی خوانی نیز توسط گروهی دیگر از هنرمندان انتخاب می‌شوند. همچنین تلاش شده است تا ترکیبی از هنرمندان و متخصصان جوان و پیشکسوت عرصه موسیقی این مسئولیت را برعهده بگیرند. او افزود: در بخش تک‌نوازی پرویز مندمی، آرام کیخسروی، مختار زندسلیمی و صبا صالحی داوری و انتخاب افراد را برای حضور در مرحله نهایی برعهده دارند. در بخش گروه‌نوازی و مولودی خوانی نیز خلیفه ماشاءالله صفوتی، مهدی ارشدی، وریا عارفی و علیرضا فشری آثار را انتخاب می‌کنند. نهمین جشنواره بین‌المللی دف «نمای رحمت» ۲۴ تا ۲۸ مردادماه ۹۸ توسط حوزه هنری استان کردستان در سنندج برگزار می‌شود.

اجتناب برخی ناشران از انتشار رمان‌های وطنی

مرجان بصیری؛ نویسنده، در گفت‌وگو با «صبا» درباره انتشار تازه‌ترین آثارش گفت: دو رمان آماده چاپ دارم با عناوین «سوپ سیاه» و «برای الیزه» که رمان «سوپ سیاه» را پس از دو سال که به ناشری سپرده بودم و همه امور مربوط به چاپ و نشر آن انجام شده بود، به من بازگرداند و قرارداد را فسخ کرد و اکنون در جست‌وجوی ناشر مناسب دیگری هستم. بصیری درباره دلیل فسخ این قرارداد بعد از گذشت دو سال توضیح داد: تغییر رویه ناشر در انتشار رمان‌های ایرانی دلیل فسخ این قرارداد بود و به من اعلام کردند که بعد از این رمان‌های ایرانی چاپ نمی‌کنند به این دلیل که سود و منفعتی برای ناشران ندارد. این نویسنده درباره رمان «برای الیزه» توضیح داد: این رمان حدود ۵۰۰ صفحه است که وقتی برای بررسی به دست ناشر بسیار شناخته‌شده و قدرتمندی سپرده بودم، آن را رمانی فوق‌العاده توصیف کرد اما اعلام کرد که انتشارات آن‌ها نیز از انتشار رمان‌های ایرانی صرف نظر کرده است این در حالی است که گاهی با انتشار داستان‌ها و رمان‌های ایرانی از سوی برخی ناشران روبه‌رو هستیم که به لحاظ محتوایی و ادبی کیفیت مطلوبی ندارند و این باعث تعجب است. بصیری با اشاره به دشواری‌های پیش روی ناشران در سال‌های اخیر یادآور شد: به نظر می‌رسد که بحران کاغذ و نشر دامنگیر ادبیات ایران شده است و ناشران از انتشار آثار نویسندگان ایرانی اجتناب می‌کنند و ترجیح می‌دهند آثاری منتشر کنند که سبک ساده‌ای داشته و به ترجمه نزدیک باشد. او با بیان این‌که مشکل انتشار رمان‌های ایرانی شامل حال برخی از دوستان و همکاران او نیز بوده است، بیان کرد: شرایط انتشار کتاب‌ها مثل گذشته نیست و دوستان دیگر من نیز برای انتشار مجموعه داستان‌ها و کتاب‌های خود با همین مشکل مواجه هستند. او درباره رمان «سوپ سیاه» توضیح داد: این رمان داستان دختری است که بیماری خاصی دارد و این بیماری روی زندگی او تأثیراتی گذاشته و در ادامه ماجراهایی برای او رخ می‌دهد که او را وارد فضای جدید و عجیبی می‌کند. در زندگی او فرد ناشناسی حضور دارد که هرگز او را ندیده است اما حامی اوست و در نهایت طی ماجراهایی به نتیجه متفاوتی از زندگی خودش می‌رسد. بصیری در پایان درباره رمان «برای الیزه» هم توضیح داد: این رمان بسیار پرمجراست و داستان سه شخصیت اصلی را روایت می‌کند که با وجود جهان بینی‌های متفاوت و گاه متضاد باهم دوست هستند و در حادثه‌های ناچار به زندگی با همدیگر می‌شوند تا بتوانند مشکلی را حل کنند و در نهایت ماجراهایی اتفاق می‌افتد که هر کدام را به سرنوشته خاص خود پیوند می‌دهد و پایان غافلگیرانه‌ای برای مخاطب به همراه دارد که این پایان غافلگیرانه انتخاب من نبود بلکه ضرورت داستان این‌طور ایجاب می‌کرد. تاکنون از این نویسنده، مجموعه داستان «گاهی بد باش» در نشر «روزنه»، مجموعه داستان «داستان یک شهر» و رمان «بت دوره‌گرد» در نشر «ققنوس» و رمان «شب نورد» در نشر «مروارید» به انتشار رسیده است.



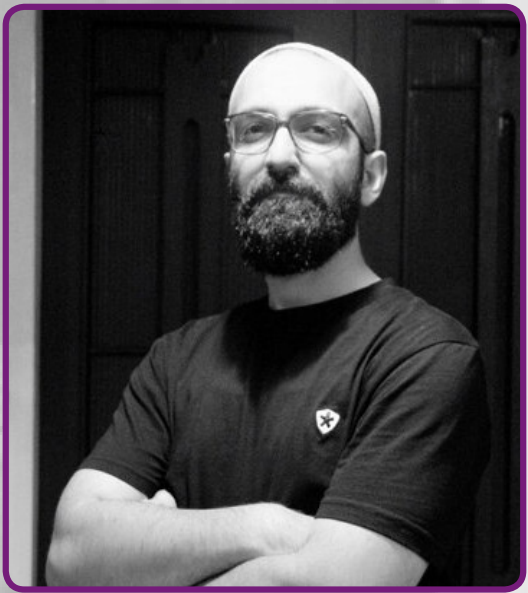
طی ماجراهایی به نتیجه متفاوتی از زندگی خودش می‌رسد. بصیری در پایان درباره رمان «برای الیزه» هم توضیح داد: این رمان بسیار پرمجراست و داستان سه شخصیت اصلی را روایت می‌کند که با وجود جهان بینی‌های متفاوت و گاه متضاد باهم دوست هستند و در حادثه‌های ناچار به زندگی با همدیگر می‌شوند تا بتوانند مشکلی را حل کنند و در نهایت ماجراهایی اتفاق می‌افتد که هر کدام را به سرنوشته خاص خود پیوند می‌دهد و پایان غافلگیرانه‌ای برای مخاطب به همراه دارد که این پایان غافلگیرانه انتخاب من نبود بلکه ضرورت داستان این‌طور ایجاب می‌کرد. تاکنون از این نویسنده، مجموعه داستان «داستان یک شهر» و رمان «بت دوره‌گرد» در نشر «ققنوس» و رمان «شب نورد» در نشر «مروارید» به انتشار رسیده است.

وقتی مصدق مربی تیم فوتبال تاج شد

کارگردان نمایش «پس از برخورد جسم سخت به سر» عنوان کرد این اثر نمایشی در سه اپیزود رویدادهایی را از تاریخ معاصر ایران به تصویر می‌کشد.

نوستالژیک است و یک رابطه عاشقانه را به شیوه کمدی به تصویر می‌کشد. دوره سوم دهه ۴۰، ۵۰ و ۵۰ و اتفاقاتی را که برای مصدق از کودکی تا زمان نخست‌وزیری‌اش رخ داده، به نمایش می‌گذارد البته در نمایش اتفاقات همان‌طور که در تاریخ رخ داده، روایت نمی‌شود به این معنی که مثلاً در اپیزود آخر، مصدق سرمربی تیم فوتبال تاج می‌شود و با یازنه‌پور که مربی تیم رئال مادرید شده است در جام باشگاه‌های جهان در ورزشگاه امجدیه مسابقه می‌دهد. او متذکر شد: این اثر نمایشی حول اتفاقات معاصر از دهه ۳۰ تا ۹۰ و تأثیراتی که این اتفاقات روی جوان‌ها گذاشته است، می‌چرخد. برخی از رخدادهایی که در این نمایش بیان می‌شود به جز شیوه کمدی قابل روایت نیست و قرار است به این موضوع پرداخته شود که همه آدم‌ها بعد از برخورد جسم سخت به سرشان حال و روز متفاوتی پیدا می‌کنند. در هر سه اپیزود میزان اطلاعاتی که به تماشاگران داده می‌شود و یا افرادی که در موردشان صحبت می‌شود آنقدر زیاد است که شاید نتوانند در طول اجرا به همه آن‌ها فکر کنند و همین مسئله این فرصت را برای مخاطبان به وجود می‌آورد تا بعد از بیرون آمدن از سالن درباره اطلاعاتی که دریافت کرده‌اند، تحقیق کنند. او در پایان صحبت‌هایش درباره اجرا در تماشاخانه آژمان گفت: این تماشاخانه چندین سال با نام تماشاخانه «سه‌نقطه» فعالیت می‌کرد اما به‌تازگی با مدیریت جدید و گروهی تازه نفس کار خود را آغاز کرده است. این تماشاخانه با تغییرات اساسی در ظاهر و کیفیت کارها همراه است و قرار است بخشی از اجراها به نمایش‌های تجربی اختصاص پیدا کند.

سجاد داغستانی؛ کارگردان نمایش «پس از برخورد جسم سخت به سر» که به‌تازگی در تماشاخانه آژمان اجرای عمومی خود را آغاز کرده است، درباره دور سوم اجراهای این اثر نمایشی گفت: این نمایش پیش از این در سال ۹۷ در تماشاخانه‌های باران و مهرگان اجرا شده است و این اجرا دور سوم از اجراهای این اثر نمایشی محسوب می‌شود. به گزارش «مهر»، او ادامه داد: در اجرای جدید شیوه‌ارایه کار کاملاً تغییر کرده است و با سبک و سیاقی تجربی به صحنه می‌رود. برای اجرای مجدد نمایش، طی فراخوانی نزدیک به هشتصد نفر برای مارنومه ارسال کردند که در مرحله اول پنجاه نفر و در نهایت ۲۸ نفر برای بازی در نمایش انتخاب شدند. طی ۲-۳ ماه تمرین کار برای اجرا آماده شد و طبق برنامه‌ریزی در هر شب از اجرا سه بازیگر متفاوت روی صحنه می‌روند که هر کدام به شیوه‌ای که خودشان در تمرینات نمایش به آن رسیده‌اند مانند به کار بردن لهجه‌های مختلف یا اجرا به شکل کمدی یا تراژدی کار را اجرا می‌کنند. داغستانی درباره استفاده از تصاویر در نمایش نیز توضیح داد: در اجرای جدید سه ویدئو نیز پخش می‌شود که بازی‌ها نیز مرتبط با این ویدئوهاست و همین مسئله کار را به اثری بینارشته‌ای تبدیل کرده است. این کارگردان تئاتر درباره مضمون نمایش عنوان کرد: «پس از برخورد جسم سخت به سر» روایتگر سه دوره از تاریخ معاصر ایران است. دوره اول که در زمان حال رخ می‌دهد به موضوعی اجتماعی در رابطه با تجاوز می‌پردازد. دوره دوم دهه ۶۰ و ۷۰ را به نمایش می‌گذارد که در آن همه چیز



جزیره کیش صاحب موزه هنرهای معاصر می‌شود

صبا: سیدمجتبی حسینی؛ معاون امور هنری و غلامحسین مظفری؛ مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، تفاهم‌نامه همکاری برای تبدیل کیش به عرصه‌ای برای توسعه هنرهای تجسمی را امضا کردند. بر اساس این تفاهم‌نامه مقرر شد موزه هنرهای معاصر کیش و مدرسه هنر در کیش راه‌اندازی و زمینه فعالیت صنایع مرتبط با هنرهای تجسمی در منطقه آزاد کیش فراهم شود. تبدیل منطقه آزاد کیش به عرصه‌ای برای توسعه هنرهای تجسمی با ایجاد موزه هنرهای معاصر کیش، مدرسه هنر و حمایت از فعالیت صنایع مرتبط با هنرهای تجسمی محور تفاهم‌نامه معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان منطقه آزاد کیش است. بر اساس این تفاهم‌نامه کیش پس از تهران، کرمان، اصفهان، اهواز و آبادان دارای موزه هنرهای معاصر می‌شود. این تفاهم‌نامه در ادامه نشست‌های سال گذشته معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان منطقه آزاد کیش امضا شده است.



ترجیح قرص خواب به لالایی

ایبستا: سوسن طاقدیس؛ نویسنده ادبیات کودک و نوجوان، درباره ضرورت حفظ لالایی‌ها و انتقال آن‌ها به نسل‌های بعدی اظهار کرد: لالایی‌ها از اولین آواهایی هستند که بچه‌ها می‌شنوند و یواش‌یواش آن‌ها را به صداها تبدیل می‌کنند. خیلی از بچه‌هایی که برایشان لالایی خوانده می‌شود، بهتر می‌توانند با دنیای اطراف خود ارتباط برقرار کنند تا بچه‌ای که هیچ‌وقت لالایی نشنیده است. او همچنین درباره مضامین لالایی و ساخت لالایی‌های جدید گفت: لالایی‌های قدیمی با چیزهایی که الان می‌بینیم خیلی فرق می‌کند. در لالایی‌های قدیمی ممکن است کلمات به‌خاطر این‌که قافیه شبیه به هم دارند، آورده شوند و معنایی نداشته باشند؛ مثلاً «لالا لالا گل لاله/ پلنگ در کوه چه می‌تاله». به‌نظرم لالایی باید از دل گوینده‌اش در بیاید تا تأثیر گذار باشد. آقای رحماندوست چند لالایی کار کرده بودند که به آن شکل از آن‌ها استفاده نشد و به شکل کتاب ماند. اگر مادرها این لالایی‌ها را بخوانند شاید قشنگ باشد، اما فکر می‌کنم لالایی از دل کسی که آن‌ها را می‌خواند بیرون بیاید بهتر است. طاقدیس درباره این‌که خواندن لالایی برای کودکان به فراموشی سپرده شده است، بیان کرد: دنیای امروز بر همه چیز تأثیر گذاشته است. برخی از مادرهای امروز ترجیح می‌دهند قرص خواب به بچه بدهند تا بخوابد و خودش به کارهایشان برسند اما لالایی نخوانند. دیگر لالایی به آن صورت که قدیم‌ها بود، نیست و خیلی‌ها لالایی نمی‌خوانند و بچه با آهنگ موتزارت به خواب می‌رود.